



اراضی ساحلی و نواحی صید ماهی در امتداد خط ساحلی یکی از اعضای قرارداد، می باشد. کشوری که با این مشکلات روبه رو می شود، سهام بیشتری را دریافت می کند در حالی که مابقی سهام به طور برابر تقسیم خواهد شد. اما با توجه به لزوم رعایت منافع همه کشورهای ساحلی، هیچ یک از اعضای قرارداد نباید مجموعه تعیین کننده سهام را داشته باشد. هر کشوری می تواند به طور آزاد از سهام خود استفاده کند و حتی آن را به سرمایه گذاران خارجی بفروشد. ولی مجموعه تعیین کننده سهام نباید در دست یکی واقع شود. به عبارت دیگر، فروش سهام باید هماهنگ شود. همچنین، برای کشتیرانی و صید ماهی و باز تولید انبوه ماهیان، رژیم دریای مشترک باید حفظ شود. ممکن است صلاح باشد برای این انواع فعالیت، شرکتهای سهامی بین المللی ایجاد شوند. به علاوه، نوار ۱۰ مایلی ساحلی برای ماهیگیری انحصاری هر کشوری حفظ خواهد شد. اما سهمیه های مشخص صید ماهی خاویاری تعیین خواهند گردید. ظاهراً یک کمپانی بین المللی با سرمایه ویژه مالی باید برای حفاظت محیط زیست منطقه دریای خزر ایجاد شود. پرداختها به این بنیاد باید از بودجه کشورهای ساحلی به تناسب مساحت هر یک از آنها در چارچوب منطقه ۱۰ مایلی محاسبه و پرداخت شوند. غیر از آن مالیاتی که درصد معینی از بهای اسمی سهام همه واحدهای اقتصادی واقع در فاصله معینی از خط ساحلی را تشکیل خواهند داد، به این بنیاد واریز خواهند شد.

منبع: پروادا، ارسالی از نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو

تاجیکستان در تقاطع زمانها و تمدنها

(نظر امامعلی رحمان اف درباره مخالفان)

گاه پدیده ای ماهیتاً منفی، نتایج مثبتی در بر دارد. برای مثال، خطر بی ثبات شدن یک منطقه بزرگ در نتیجه پیروزی های طالبان در افغانستان در پاییز گذشته موجب برگزاری ملاقات رهبران فدراسیون روسیه و دولت های آسیای مرکزی شد که این جلسه نشان داد که جامعه مشترک المنافع می تواند در منطقه آسیای مرکزی نقش باثبات کننده ای را ایفا کند. به علاوه، ملاقات در آلماتا در اکتبر بر دیالوگ دسامبر رئیس جمهوری تاجیکستان و رهبر اپوزیسیون متحد تاجیک تأثیر مثبتی گذاشت. در نتیجه این ملاقات، توافقهایی امضا شد که



زمینه را برای احیای صلح در تاجیکستان فراهم کردند. این توافقها، در چارچوب انتخاب تاریخی مردم تاجیکستان قرار دارد که سرنوشت خود را با اتحادیه‌های ژئوپلیتیکی که از دیرباز در اروپا و آسیا وجود دارند، مرتبط کرده‌اند. این قانونمندی که در منطقه مذکور شکل گرفته است، نشان داد که این مسئله برای کشورهای جامعه مشترک‌المنافع و فضاها همجوار اهمیت حیاتی دارد. قانونمندی مذکور عبارت از آن است که بدون همیاری و اتکا بر همدیگر در زمینه‌های مختلف، از جمله از نظر ژئوپلیتیکی، رشد و توسعه هیچ ملت و هیچ کشوری میسر نیست. آنها نمی‌توانند به تنهایی با چالش زمان مقابله کنند. باید اعتراف کرد که ترقی و پیشرفت مناسب مردم تاجیکستان خارج از جامعه مشترک‌المنافع غیرممکن است. اکنون که چالشهای جدید تاریخی بروز می‌کنند، خلقهای قاره اروپا و آسیا باید بدون قربانی کردن رشد و میراث ملی خود ایستادگی کنند. آنها باید همه دستاوردهای قرن بیستم را حفظ کنند. از نظر ژئوپلیتیکی، باید در این میان جامعه مشترک‌المنافع را هم ذکر کرد. گذشته و حال را انتخاب نمی‌کنند، آینده را انتخاب می‌کنند. مسئولیت در قبال تحولات اوایل سالهای ۱۹۹۰ در تاجیکستان بر دوش نیروهای خارجی و داخلی قرار دارد که رویارویی آنها باعث ویرانی نظام دولتی و مصیبت‌های بی‌شمار مردم شد. این در حالی است که در آن زمان راه حل غیرزورگویانه مسائل وجود داشت. وقتی که رادیکالها و افراطیون به تاجیکستان راه‌حلهای قهری مسائل را تحمیل کردند، نیروهای وفادار به قانون اساسی به این مبارزه طلبی پاسخ دادند تا کشور را از غلتیدن به فاجعه و «افغانی شدن» نجات دهند. در نتیجه تأثیر عوامل متعدد خارجی و داخلی ما در گذشته نزدیک خود جنگ ویرانگر داخلی داشتیم و در حال حاضر با مناقشه داخلی و بحران شدیدی که بتدریج از آن‌ها می‌یابیم، روبه‌رو هستیم. این بار، بر دوش مردم و حکومت جدید سنگینی می‌کند. وضع به قدری بی‌ثبات است که ما هر دفعه مجبور می‌شویم حداکثر کوششها را به عمل آوریم تا خطر ویرانی ثبات را خنثی نماییم.

به عقیده ما، کلید جادویی وجود ندارد که بتواند تمام ساز و کار اجتماعی را راه‌اندازی کند. در حقیقت امر، تمام سیستم دولتی ویران شده و می‌تواند بر مبنای جدید تنها در صورتی ترمیم شود که ما بدون به تعویق انداختن این مسائل برای ایجاد نظام کامل دولتی تاجیکستان کوشش کنیم. تجربه چهار سال اخیر نشان می‌دهد که این راه صحیح است. در حال حاضر وضعیت تاجیکستان تثبیت می‌شود ولی هنوز پایدار نشده است. در شرایطی که آگاهی حقوقی مردم هنوز احیا نشده و فرهنگ سیاسی در جامعه تغییر یافته وجود ندارد، نمی‌توان به

این جامعه ایدئولوژی جدیدی را تحمیل کرد که بزودی به صورت یک سیستم منجمد درآمد و از نیروی بسیج‌کننده، به نیروی سرکوبگر تبدیل خواهد شد. به عبارت دیگر، انسان، دوباره نه هدف کار دولت بلکه وسیله دستیابی به اهداف دولت خواهد شد. به علاوه، این امر با انتخاب تاریخی مردم مغایرت دارد: در قانون اساسی تاجیکستان کثرت‌گرایی ایدئولوژیکی و سیاسی اعلام شده است. تاجیکستان در چهارراه تمدنها و زمانها قرار دارد. جهان پیرامون آن بر کشورمان که به سان کشتی در دریای خروشان سعی می‌کند خود و مردم خود را نجات دهد، اثر نیرومندی می‌گذارد. در این شرایط باید برخورد ما را با دین توضیح داد. اولاً، ما در اواخر قرن بیستم خود را بخشی از جهان و تمدن اسلامی احساس کردیم و ثانیاً، نیروهایی از بیداری و علاقه مردم به دین استفاده کردند. باید خاطر نشان ساخت که از همان اول قوت دین با توجه آن به مفهوم هستی انسانی و روابط انسان با خدا بوده است. دین در سخت‌ترین شرایط به انسان نیرو و امید می‌دهد و دنیای داخلی او را منسجم می‌نماید. هماهنگی دنیای انسانی و روابط انسان و خدا و نیز بخشیدن مفهوم زندگی به انسان، هدف دین است. از سوی دیگر، از دیرباز ایدئولوژی‌های مختلف با دین توأم بودند و به مرور زمان جای همدیگر را می‌گرفتند. نه همه این ایدئولوژی‌ها، بلکه رادیکال‌ترین آنها، مسئول تبدیل انسان به وسیله دستیابی به اهداف آنها هستند. ایدئولوژی رادیکال (که لزوماً نباید دینی باشد) با زورگویی توأم است و در جایی بروز می‌کند که انسان به وسیله توسعه و فعالیت نظام یا جنبش ایدئولوژیکی تبدیل می‌گردد. به همین دلیل ما افراط و رادیکالیسمی را که اپوزیسیون به عنوان خواست دینی جلوه می‌دهد، رد می‌کنیم. امروز، ما افراد را از روی کارهایشان و نه تعریف آنها از خود، ارزیابی می‌کنیم و می‌بینیم که دموکراتهای اسلامی تلاش می‌کردند تاجیکستان را از جامعه مشترک‌المنافع جدا کنند و این در حالی است که بعد از همه مصیبت‌های سالهای اخیر تاجیکستان تنها در چارچوب جامعه مشترک‌المنافع می‌تواند در آینده قابل پیش‌بینی به بهروزی برسد. تاریخ تعرض طالبان در افغانستان نشان داد که اپوزیسیون ژئوپلیتیکی تاجیکی به طالبان به عنوان رادیکال‌ترین و سازش‌ناپذیرترین نیرو در منطقه گرایش دارد. ولی مردم تاجیکستان انتخاب خود را به نفع جامعه مشترک‌المنافع کرده‌اند. این معقولانه‌ترین و آینده‌دارترین تصمیم مردم ما می‌باشد که لازمه برقراری مناسبات مستعدانه و ثمربخش تاجیکستان به عنوان جامعه باز با کشورهای جامعه جهانی است.

روزنامه روسیسکایا گازتا چاپ مسکو، ۲۸ ژانویه ۱۹۹۷